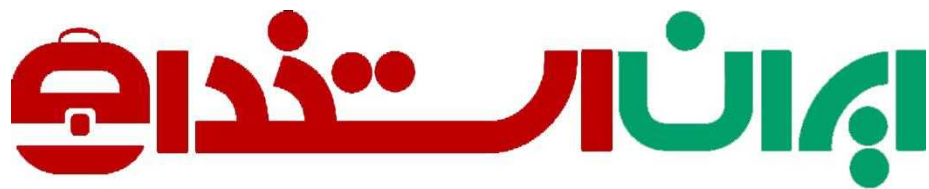




جزوه خلاصه درس مسئولیت و سازندگی (ارسالی کاربران)




سرویس خصوصی خدمات عام المنفعه اخبار شغل و استخدام

[Www.IranEstekhdam.Ir](http://www.IranEstekhdam.Ir)

خواننده گرامی؛ در جهت بهبود کیفیت این فایل؛ لطفاً هرگونه انتقاد و پیشنهاد خود در مورد مطالب آن
و یا گزارش مشکل را به آدرس ایمیل و یا با شماره تلفن زیر مطرح نمایید:

آدرس ایمیل: soal@iranestekhdam.ir 

شماره تلفن تماس: ۰۲۱-۹۱۳۰۰۰۱۳ 

«توجه مهم»

جهت تهیه کتابهای آموزشی و دانلود سایر نمونه سوالات استخدامی به همراه پاسخنامه
به آدرس زیر مراجعه بفرمایید:

اینجا کلیک نمایید

مسئله تربیت و سازندگی : فصل ۲ : تربیت

مراد از تربیت، از آن‌ها ماسئس ساختن است و از بسیر آدم آفرین

آدم سی است که تمام استعداد هایش حکومت دارد. رهبری دارد و به آن ها هیت می دهد.

مراد از تربیت این است که استعداد های بسیر تا حد انسانی رسو کند.

حیوان با غریزه ما و به خاطر غریزه ها زندگی می کند. اما آن ها آن عظمت

فستی را دیده اند و دنیا و در میان هستی تا سنا کرده اند و از زمین بالا دیده اند.

در زمین رانغی ببیند و با آن را مثل قرص نانی می بیند و قانع نمی شوند.

ما متاع الحیوة الدنیای الا فره الا قلیل ؛ دنیا در برابر وسعت آخرت نا چیز است

(اینان از بهشت حتی می گذرند. عنوان من اکرم این روح دیگر از سر ها گذشت

است و از تم ها. در ابی خود بسیر آدم می شود و با این عظمت است

که بسیر به انسانیت می رسد.

* هر چه نیده ای که از قانون و از نظام حکمی بر فور طار است ناچار امکان تربیت می

هست و با سنا حت قانون با تسخیر می شوند.

معرکوه تربیتی که با دست و به انتخاب انسان بسیار باعث مسخ نون می شود.

* تربیت های تلقینی، تقلیدی، تمهیلی، سنی از نس ندارند. حتی مندار ز نس

هستند و عامل نفسی انسان و آخر سر هم باعث طفلان او

۱) با سفا داغ کردن و با تلقین حرارت دادن (با عوفن) کدن محیط از و سرد می شود

۲) شام و برگ دادن و در سطح کاویدن (در برابر طوفان ها برگ می ریزند)

۳) به دوش کشیدن و بغل کردن (در هنگام تنهایی نفس دیده و می باشد)

۴) کلیدها و ملاک ها و روس ها را به دست او دادن و روسی دادن و زنجیرها را باز کردن از و در به شیخ ر دیده و سیره های عظیم دارد.

آندره زیگنر در کتاب روح صلتها : بعضی از حادثه ها را عشق می نهد -

اما عقل از علل آن عاجز است . اشراف و پادشاهان ابراهیم .

عقل زبان عشق را نفی می کند .

در زبان عرفان : عقل فارغ را با عشق عاشق می شناسند .

عقل عاشق را با نیو با عشق او شناسند .

بزرگترین مسئله ما در قرن رومی مسئله تربیت و سازندگی است .

برای تربیت و سازندگی باید از اعماق شروع کرد و ریشه ها را برآوردیم .

فصله المؤمن خیر من خیر من عمله : (حقانیت من خیر است برای خدا قبول است)

آدمه تفکر ، شناخت است و آدانه شناخت ، عشق است و آدانه

عشق ، عمل است . تفکر

↓ شناخت

↓ عشق

↓ عمل

• متاع حیات دنیا فی الاخره مقصود از این آیه کدام است؟

۱- مومنان با تقوا ۲- آنان که انجام وظیفه می کنند ✓

۳- بی توجهان به دنیا ۴- دوستان خداوند .

• مصداق تربیت در کدام گویند یا صفت بی شود؟

۱- از آهن مائین ساختن ۲- از بر آدم ساختن ✓

۳- از گاه کوه ساختن ✓ ۴- از پارچه لباس ساختن ✓

• کدام تقریف جامع تری از آدم است؟

۱- براسفندار هاسنی رهبری دارد ✓ ۲- موجود اجتماعی ابزار ساز

۳- حیوان ناطق و آفتاب گسترده ۴- موجودی آزار و فلاق

• عقل عاشق را با چه چیزی می شناسند؟ با عشق

مسئولیت و ساریندی فصل ۳ : مریب نسبت

هر کس اندازی که تحت اختیارش است برای صحتی که در رفتار تربیتی می کند (انسان) ضرورتاً تمام هستی است و تا بی نهایت راه در پیش دارد. باید به تدریج تربیت شود که در تمام عوالم بدانند چه بکنند، چگونه بدانند و چگونه بروند.

انسان خانه راه پدرت بیست می کند.

انسان جامعه است استاد

انسان زمین و این دنیا است دانشمند

انسان ضیق گسترده است که هنوز با نسیان مانده به دست بی نهایت

مریب انسان جز آفریدگار نیست، با او است و مریب او است.

پس کسی مریب است که به تمام هستی و قانون های آن آگنا باشد.

قانون های قیام و پایدار، مسئله قانون گذاری بورا همانی به عمره خداست

ان الحكم الا الله: حکم و دستور تنها به او است.

کسانی می توانند مریب باشند که آگاه به درد ها و واها باشند و آگاهی از طریق

راز و وحی از کتاب و سنت به دست آورد.

بذهب عنهم الرعب و يظهر لهم تطهیراً: خداوند انسان ها را تربیت و از یلید با صحت زدن

① تجربه و برقررد استفاده کرد.

② آموزش و تقلم

③ لطافت رسی و فرقان و فرقان رسی را (زمین خدا می کند)

شوقان: نیروی است که در مرحله اطاعت تقوا به انسان دست می دهد. انتقال ۲۹

* اگر به تقوا رسی و خداوند برای شما فرقان قرار می دهد حدیث ۲۸

خطایر در اطلاب بین شوقان و تقوا.

آغاز اعلی طرح روان به حرکت فکری به شناخت که عشق ها است اطاعت و تقوا

(کفتر) ④ لطافت رسی

* مریب به وحی و فرقان نیاز خداست.

رسیدن به رحی در کتاب (روش برداشت از قرآن) صحبت کرده است .

تحتوا نتیجه حرکت هلیو جریبه ها ، عمدتاً از حرکت انسان پوست می آید ، که ورزش ها ،

ضرورت مربی ! انسان می تواند خودسرانه ^{لقمان دارد} را برود اما باید عرامت مسکن بدهد ، رمی تواند سلمان و اربابند .

سلمان وارد رحیت جوی مربی رفتن ، آن را ویرانتر از لقمان و اربابها آموزش است .

نفس مربی : یُسیر والتم دفائن العقول : مربی انوسیه های مدفون شده را باید برانگیزد .

وقتی هدف تربیتی ، علت اندون و پیدایش کسیدن است . هدف به راه افتادن و استیادن در اینجا انتخاب و اتخاذ با مربی در روش او شروع می شود .

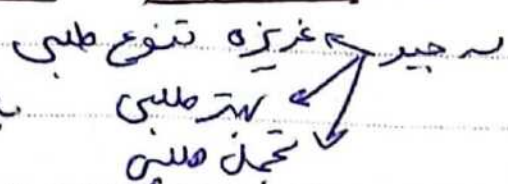
۱) آزاد کردن فکر انسان از جیره های قائم و در تضاد گذاشتن است .



جیره غریزه ، جیره عقل ، جیره فکر

جیره تاریخ ، محیط ، وراثت ، جیره تربیت ، طبیعت

انسان با تضاد جیره ها و رقابت آن ها در تضاد نوشتن به آزادی می رود .



با تضاد علیت ها انسان به میدان گاه آزادی می رسد .

۲) بار دیگر مربی آموزش داد و تقسیم دادن . با انسان دادن راه رسیدن تا قله .

صدا زنگ و برداشت به انسان بیاورد او را بیازند صدقه کنند . جوشش بهتر از بقیش

۳) مسئولیت مربی این است که انسانی که در چار نشیمن بوده نیازمند

تذکر و یادآور است ، که بتواند قطره های متراکم و زمینه های را آسوده و کله در کند ، تا حرکت بسیرت فراهم کند .

۱. برای شناخت روح فانی تران از استاد کرد
 ۱) تجربه در خورد
 ۲) آموزش و علم
 ۳) لطافت روحی و فرقان
 ۴) همه موارد ✓

۱) لطافت روحی و فرقان
 ۲) تجربه در خورد
 ۳) همه موارد ✓

نیازمند است.
 ۱) تعلیم و آموختن
 ۲) تجربه در خورد
 ۳) اطاعت و تقوا ✓
 خلق و شعور فالسوف استاد.

آیه شریفه بئیت لا اله الا الله معاد الاطلاق به ترتیب خلق و شعور فالسوف استاد
 و تعلیم اخلاق کریمه هیت گماست

از تفکر به رابطه فرقان و تقوا حرکت فکری آغاز می شود و از حرکت فکری به عشق ها
 ۱) لطافت های روحی
 ۲) اطاعت و تقوا

نتیجه هم گیری فطری انسان را مشخص می کند و انسان می دهد؟
 ۱) لطافت روحی و فرقان
 ۲) رحمت و وسیع و نورانی
 ۳) تقوا و ایمان ✓

به ترتیب هر انسان را یکی می توان ترتیب کرد؟
 انسان جامعه - انسان خانه - انسان زمین

استاد - دانشمند - پدر
 دانشمند - پدر - استاد
 پدر - تجربه - دانشمند
 استاد - پدر - دانشمند ✓

فصل ۲: روش تربیتی

۱) بیرونی محیط و وراثت، و سوسه ها ۱۲۲ (مجموع) → آزادی

اسارت ها ۲) درونی: خیر فکر، عین، غریزه

بشر اسیر بیرونی است که او را به سمت خود می کشد و در خود فریبی برد.

۱) غریزه ها و میل ها که نگارند آزاد با نگره حب نفس، حب دنیا و حب سر

اسارت

۲) تقریف دیگران، حرف مردم، نیاز به مقبولیت مردم

۳) جلوه های دنیا و زحمت های آن

سیر اسیر این نیروها: حرا عموق او تقو ذکرده و یا می گویند

سیر گرفتار شیطان، این شیطان فقط ضعف او را می داند.

۱) نفس او را تحریف کرده و رویه می کند - اغوا می کند

۲) جلوه های دنیا را از باطن انسان داده به بند زنجیر می کند

شیطان درونی

انسانی که اسیر هفتاد گرفتار است نمی توان فقط بابت کلمه (بیایم) نجات داده

برای توبت انسان با خود را و عشقی آفرید عشق بزرگتر

الذین آمنوا سر جباه آن ها که به سوی حق گویند انداز عشق محبت شدیدی نسبت

به حق و خود را نگاهان

عشق شدیدی → از اسارت غرائز، حب نفس و حب دنیا آزاد می کند (دانشان عزیزان)

مثلاً چون را دوست داریم برای جان و جان خود را دوست داریم تا به آزادی برسیم

راه دست یافتن به عشق بزرگتر: مفاقت

* معرفت و مفاقت عشق را سز می کند. معرفت + مفاقت = عشق

ما عاشق آفریده کرده ایم با سنجش و مقایسه، عشق و عبود را انتخاب می کند

با تفکر و تجربه → رسیدن به مفاقت → محبت → عمل و آزادی و رزق

تفکر سنت اول رسو انسان وزیر نیای تربیت او

ذهن ما ترموده نیازمند مواد خام، فکر نیازمند مواد خام

با تصمیم گران عقیده

تفکر احتیاج به (تدبیرها، مطالعات، مواد خام)

ساخت زبانی به مقایسه و سنجش و به نظارت عقل نیازمند.

۱) بر راههایی که فکر ارائه می دهد. عقل دو تقلبات دارد ۲) به هدف قایی که فکر برای نشان دادن راهش تلاش می کند. سناخت، انتخاب، عمل نتیجه تدبیر، تفکر، تفعل

نیازمند رهبری که کنترل کند دارند.

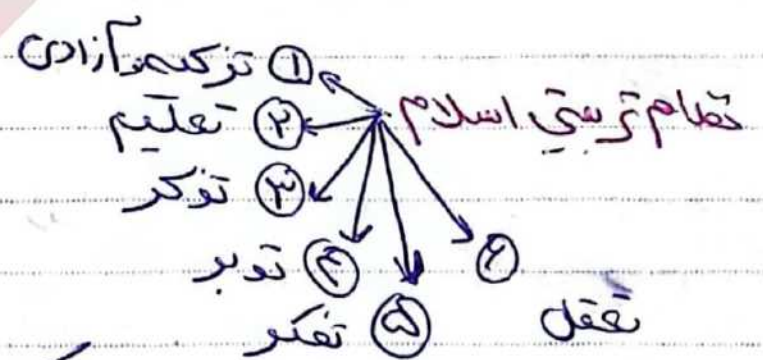
هل من یسئله حکیم ترسیده؛ آن کس که با حکیم راهنمایی هم نسبت به هلاکت رسیده.

۱) تزکیه و آزادی؛ قلب غافل صحت حرکت نشان می دهد به شرط گرفتار آهون بر با تدبیر، بقصد، عادت شود. بزرگی، تنقیراً

۲) تعلیم و آموزش؛ مربی روشن تو بر، تفکر و مطالعات مایه آموزش است.

۳) تذکر و یادآوری؛ انسان گرفتار غفلت هائی شود. مربی باید تذکر و یادآوری کند. و ذکر نان الذکرى تنفع المؤمنین (ذاریات ۵۵)

یتلو علیهم آیاتنا معاد خام تو بر. تزکیه و آزادی + آموزش تو بر. یتلو علیهم آیاتنا معاد خام تو بر. یتلو علیهم آیاتنا معاد خام تو بر.



۱) تزکیه و آزادی انسان معلوم می تواند خود را از غمگس عوامل آزاد کند؟ بوش ۲۵، سببا ۴۴

۱- نیروی کنکباری؛ فکر را حرکت می دهد. (حق ان تسع ان من لوعده) ۲- حقیقت طلبی؛ این نیرو فکر حرکت داده رده را کنترل می کند.

عادت و تقلیدها به وسیله رزق شخصیت از این می روند. رزق شخصیت تعیین می کند. *بلدگی حق آزادی است. احتیاج به بزرگداشت رقابت

تعلیم و آموزش

کسانی که از استعداد های بیرونی سرشارند، این مای توانند کاری شروع کنند و سیرت کنند
اما با وجود صریح این راه سریع تر چه بسیار دهد، چرا که ممکن است در این راه عقب رود
دانش باشند، حتی به انحراف کشیده شوند. در این باب از این تک صریح خود دیگری که
اگر خانه موضوع بشود

خود سری ها معلول هستند و علت های دارند مانند زامیری از یافتن صریح
صریح بودگ هستی آن کار که می خواهند حرکت کنند، همانند کذب که رهبری می نماید
بجمع بیستاً رفا هو الفتح العلم درست که افراد با هم جمع می کنند و رابطه ها را تنظیم می کنند
او بسین از این که انسان ها را آنگونه شوند آدم را (صریح) در زمین گذاشت و راه ها
را انسان داد. صریح همچون یکی انسان را به حقوق می رساند.
ملاک عالم علم نیست. عالم کسی است که از دیگر او به یاد حق بیفتیم.

بهترین راه برای به کار نواختن فکر، طرح سوال های حساب شده است.
من عرفه نفسه فقد عرف ربه. اگر چه این دارد تا انسان محمول است از علم و علوم خواهد
شد. در جواب کسانی که سوالات روح در عالم می کنند، اول باید خود را شناخت تا به نظر آید

۱) افعال ای که هر حادثه ای می تواند در پی باشد و مرتباً در نظر

اصل های برای رسیدن
انسان به برداشت ها
در تقوای و تقوی
۲) تدریس اینکه عینی که حادثه را در پی خط و در زمان حال
نگذارد. ارتباط با گذشته و جریان با آینده
۳) فراغت و خلوتی که حادثه را در خود بشیر و هضم کند. به وسعت
برداشت ها که می کند.

۴) تاثیر - طرز برداشت از حادثه ها را به مای آموزش

* سوره عصر این رهانی از خصلت بر پایه ها دو عامل اشاره کرده:

- ۱) ایمان و عشق - کار و مهارت و استقامت می آفریند.
- ۲) تواضع و سفارش - حادثه ها را در روزهای از دست رفته را به دست می آورد.

۳) تذکرو یا تا کویری

شیطان است که بعضی صفت‌ها را نشانه می‌گیرد. غفلت ما، خواستار بازی و سرورها، و اما قرآن خداست که تذکر می‌دهد.

این عدد مفضل مبین از دست انسان و راهزن‌ها و از وسعت هستی.

با تذکرها یادآوری نتیجه آزادی انسان از ^{کودها} ^{شغل} ^{مناجات} - غرورها

کارهای بزرگ روی آوردن ^{در وقت} ^{تشریحات} - تشریحات

* توجه به این نکته که هنگامی تذکرو سیدارسی ^{در نتیجه} عمل می‌رود که در زمینه خود انسان

مقدار کم بود و با طلب و عشق همراه باشد.

۴) قدیر

تذکره تقیه مواد دفاعی است که ^{در} ^{مکان} ^{کار} ^{آن} ^{کار} می‌کند و با ترکیب آن‌ها

نتیجه‌هایی می‌رسد و شناخت درست می‌آید.

۱) عوامل مجهول با کمک فکر درست می‌آید.

با تدبیر ^۲ یا با ایجاد غلبه و حرکتی، کثرت می‌آید.

۳) روشن شدن ماسکین بکلی استارت، زمین که جرقه گامی لازم نیست

مثال‌ها ^۴ کار از نسبت بقیه با بد انسان برای رسیدن به هدف‌ها.

۵) گرافیک از نور در اتاق: انسان نباید خودش را به هر دری بزند و بجا دارد استعدادهای خود را.

امام کاظم: آنچه می‌توان را نمی‌بیند در آن درسی‌هایی است.

حضرت ابراهیم از تدبیر در طلوع و غروب ستاره‌ها به توصیف رسید.

به شکل توحید ^۶ در درون، در جامعه، در هستی.

۵) تفکر

انسان با حیوان استراتژی دارد ^۷ حیوان می‌تواند از انسان آزر کند.

بعضی حیوانات احساسات و غرایز با فکر دارند.

بعضی ~ هوش و حافظه زیادی دارند ^۸ رجه تمایز انسان از حیوان و انسان اختیار دارد.

حقیقت انسان ^۹ می‌تواند در اختیار و مختار در عمل ^{در نتیجه}

هوش: حسک هویت ^{۱۰} فکر: نیروی نتیجه‌گیری

عقل: نیروی انوازه‌گری

تفاوت تدبیر با تفکر در چیست؟ تدبیر مواد خام درون ما، تکلیف امری کند. تفکر این

مواد را مرتب و هدفمند می کند.

با تفکر انسان به سنت می رسد. تفکر در سازندگی و رشد انسان نقش اول را دارد.

البته این سنت نقش رهبر مهم تا بتواند فکر آزاد و پر طایفه برپا می سازد و به سنت می رسد.

تفکر (سنت) با تدبیر ادراک حقیقی و علقه تجردی بدست می آید.

با تفکر از این تجربه ها نتیجه گیری می شود.

فکر تحت تأثیر عوامل محیطی و تربیتی وراثتی آید و در تقلید و تالیف است.

ضرورت تفکر و سنت تفکر که بر روی راه ها و تفرقه ضرر است.

شیرینی که این سنت و نهادی بر عهد دارد عقل و این سنت تفکر می ماند.

نظارت بر اصل هدف و توقع ها و فواید ما دندان می زنی رفتن

ما آزاد می است که نظارت بر روی راه ها و طرح ما زمان که این سنت برسان می تواند از فکر بگذرد این فکر و این فکر ما را مشخص کرده باشد.

این ها خواسته دل ما و غریزه به طلبند حکم عقل

با سنت فکر و عقل و دل علم و عقل و عشق سنت سنت ما

به عشق و امانت می رسد. عقوبت حیرت ها و عادت آزاد می گردد.

نتیجه گیری: این روش ها ریشه اسلام و اسلام با این روش انسان را یک می کند تا فکر را بسازد سنت سنت ما

که سنت کردن انسان سنت که سنت ساز آزادی اوست.

بستر تفکر کدام گزینه است؟

- ۱) آلدی (۲) عقل (۳) حافظه (۴) شناخت ✓

کدام یک از موارد زیر، مصرف کننده مستقیم و وسیع بودی، دارای فقط ابعاد جسمانی

- الف) شیطان (ب) نفس (ج) تعصب (د) هرینه او ✓

انسان مجبور با ... و انسان آزاد با ... تربیت می شوند.

- الف) صبر - تقالیم دینی (ب) شناخت قانون علیت - تقالیم دینی
- ج) صبر - خودسازی (د) شناخت قانون علیت - خودسازی ✓

عقل چند نظارت دارد؟

- الف) دو - راه و هدف ✓
- ب) دو - ترکیب و روش
- ج) یک - کاس و راه
- د) دو - سنجش و عمل

با کدام عامل انسان به شناخت می رسد.

- الف) تفکر و تجربه ✓ (ب) حب نفس (ج) حب دنیا (د) صحبت

از آیه اِنَّ الْعَمَلِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ كَلِمٌ سَامٍ در یافت می شود؟

- الف) جن فاعلی به صور طلبی جن فاعلی راب و مثال دارد.
- ب) جن فاعلی بدون جن فاعلی که بدوی جان است. ✓
- ج) هر عملی در آسان مومن از جن فاعلی و فاعلی تسکین گره است.

عادت ها و تقلیدها پایه رسیدن به این است. من روزی که در و با شخصیت

بستر تفکر کدام است؟

- الف) عقل (ب) حافظه (ج) تدبیر ✓ (د) شناخت

فصل ۱۰ : هنام تربیت

در فصل های گذشته ؛ سوالات هنام تربیت چه کسی ، چگونه ؟ باه ؟ مسئولیت خود را
بمتر انجام بدهد آشنا کردیم . کتابت زر زکات آگاه و از هنر فاک - طلی و دیو نوباره هاسیون کی
نخست برداشتن و ساختن از روش های مستقیم و غیر مستقیم است از استدل
و برهان گفته تا نمونه عملی

- ۱) پس از ارزیابی و شناسایی
- ۲) و آشنایی و درستی
- ۳) و جذب و صمیمیت
- ۴) در زمینه سازی و آمادگی دادن

← برداشتن به ماخن ها

۱) ارزیابی و شناسایی :

پایزمنه های مجهول نمی توان کاری کرد . نمی توان در تاریکی تیرا شناخت

۱) علامت ها : بر اثر کار و بر اثر آموزش و تعلیم شناخته می شوند .

۲) بر فورها : انجامه علامتی است با دو احتمال از ما پس برد و بررسی ، تیرا شناسایی
۳) لطافت ها : برای حرکت فکری و عقلی و حرکت روحی و حرکت عملی
داستان نیروها جریان می افتد . با همین حجم هفت و جهول به آشکارا و مشخص

۲) آشنایی و دوستی :

به خاطر متفاوت بودن رویه ها متفاوت راه ما یادوستی متفاوت فواهد بوده

۱) سلام : نمی توان به هر کس سلام کرد . حتی بیاسیر به برخی جواب سلام نمی داد
۲) راه های دوستی

۳) معاشرت و پذیرش : بعضی سادگی تو را با بیسیطت خودت از بعضی زنده
۴) آشنایی و ملاقاتی توان همه جا هم کنار کسی با بیو با لطیفه ها ب دل درست راه یافت

۵) طرح سوال و سکوت : نمی توان از هر کس سوال کرد چرا که سوال آن ها را
می شکند و زیادت را می بندد

۳) جذب و صمیمیت :

با شروع دوستی باید آن را در ریس داد .

در دعای کلید ^{خود} خطه مرا به یاد خودت آبر کن تا آنکه راهم صرف با تو در حال من در دوست تو.
این یکبار صبحی با قلم به وجود می آید.

* تعلیم و سراغات ترتیب های واقعی است . مبتعلم کسی است که
اهمیت سراغات کند. هر چند قراردادهایی بشکند .

به هر حال برای دوستی ما گیره هایی هست برای سازندگی راه هایی هست . این
گیره ها را نوه و چسبیده به زندگی اردیابی .

① تا لیلی قلب هائنده رنوه و باج

② انفاق ها : بقایرستی و بت سازی

③ اطعمای مسان : نوه دادوستد

④ زیارت ها و دیدار سان : مده تجل و ظاهر

⑤ عبادت مسان : بازی و سرگرمی

⑥ خدمت و محبت مسان : بتل پروری

⑦ مله ره مسان : وقت کمی

⑧ مدارا و تسامح سان : گستاخ بازی

⑨ حلم و تحمل سان : تزلزل و بیجاری

⑩ اخلاق و نرم مسان : خوردن و خوردنایی

هنگامی که اصول از دعوی خود خالی می شوند ، بار سازندگی لازمین می گذارند و بی درسی کنند

④ زمینه سازی :

سین از رسیدن به آکنایی و دوستی ، نوبت زمینه سازی و ایجا را جاری است .

آن ها که خود انباشت حرف ها کرده اند ، با بی وفایی کرده . معده انباشت را به غنای بدن .

① پاک کردن وفایی خوردن : ذهن پاک شده - مسمومیت من آورد

② سکستن مانع ها و غرورها : با فتره ها و سوال ها

③ شخصیت دادن : تا شخصیت مستقل نگیرد . جرأت حرکت نخواهد داشت

④ به آزادی رساندن : حریت به دست نیاید . رفت های سابق از تن بیرون خواهد

⑤ به قدر و داشتن : تا سوال طرح شود فکر ضربه نیستند

جواب تأثیر ندارد و حرف ها کنگ است .

در دعای کلید ^{خوب} خطه مرا به یاد خودت آبر کن تا آنکه راهم صرف با تو در حال من در دوست تو.
این یکبار صبحی با قلم به وجود می آید.

* تعلیم و سراغات ترتیب های واقعی است . مفهوم کسی است که
اهمیت ها را مراعات کند. هر چند قرار دادهایی بشکند .

به هر حال برای دوستی ما گیره هایی هست برای سازندگی راه هایی هست . این
گیره ها را نوده و چسبیده به زندگی اردیابی .

① تألیف قلب هائنده رنوه و باج

② انفاق ها : بقایرستی و بت سازی

③ اطعمای مسان : نوده داد و ستد

④ زیارت ها و دیدار سان : منده تجل و ظاهر

⑤ عبادت مسان : بازی و سرگرمی

⑥ خدمت و محبت مسان : بتل پروری

⑦ مله ره مسان : وقت کمی

⑧ مدارا و تسامح سان : گستاخ بازی

⑨ حلم و تحمل سان : تزلزل و بیجاری

⑩ اخلاق و نرم مسان : خوردن و خوردنایی

هنگامی که اصول از دعوی خود خالی می شوند ، بار سازندگی لازمین می گذارند و بی درسی کنند

④ زمینه سازی :

سین از زمین به آکنایی و دوستی ، نوبت زمینه سازی و ایجا را جاری است .

آن ها که خود انباشت حرف ها کرده اند . با بی وفایی کرده . معده انباشت را به غنایم بدن .

① پاک کردن اوفایی خوردن : ذهن پاک شده - مسمومیت من آورد

② سکستن مانع ها و غرورها : با فتره ها و سوال ها

③ شخصیت دادن : تا شخصیت مستقل نگیرد . جرأت حرکت نخواهد داشت

④ به آزادی رساندن : حریت به دست نیاید . رفت های سابق از تن بیرون آورد

⑤ به فکر و داشتن : تا سوال طرح شود فکر ضربه نیستند

جواب تأثیر ندارد و حرف ها کنگ است .

۱ زمینه سازی را ایجاد آسانی همیشه در یک لحظه و یک برخورد بدست نمی آید .
 ۲ به زمان نیاز دارد . شماره داستان بیاسر (ص) و جوان بهوری .
 ۳ در پایان ما مسئولیم چون دارائیم چون توانایم و مسئولیت بر اساس
 ۴ توانایی است نه آگاهی * و نوع مسئولیت ما وابسته به اهمیت کارها و ضرورت
 ۵ نیازها و استعداد و توان ما است .

۱۴۰۲ سوالات دبیری

۸ ۱- سنبل بلاهت رشواشنان وزیر بنای تربیت او کرام است ؟
 ۹ الف) انتخاب ب) شکر ج) توبه د) صوب

۱۲ ۲- حدیث از ملک بن یسوی که حکیم پرسیده ، تا کی در اصبه کلام مورد در راه تربیت ؟
 ۱۳ الف) بقل ب) تفکر ج) توبه د) صوب

۱۴ ۳- در هر موضوع حفظاً تمیز ، عبارت زیر در خصوص کلام یک از راه های نشانی
 زمینه ها را تمیز بیان شده است ؟ در آنجا به علامتی در دست نیست و یا علامت ها
 مبهم و غیر مشخص هستند یا تمیز آنها را آسان کرد در بهترین برگزیده (۱۶)
 ۱۷ الف) لطافت ها ب) علامت ها ج) برخورد با و توبه ها د) نورانیات ها

۱۱ برای سلامتی امام عزیز دل در (سازمان) داری روح

شهادت و الا مقام ابراهیم هادی صلوات ۱۱

«توجه مهم»

جهت تهیه کتابهای آموزشی و دانلود سایر نمونه سوالات استخدامی به همراه پاسخنامه
به آدرس زیر مراجعه بفرمایید:

اینجا کلیک نمایید



ایران استخدا

سرویس خصوصی خدمات عام المنفعه اخبار شغل و استخدام

[Www.IranEstekhdam.Ir](http://www.IranEstekhdam.Ir)

خواننده گرامی؛ در جهت بهبود کیفیت این فایل؛ لطفاً هرگونه انتقاد و پیشنهاد خود در مورد مطالب آن
و یا گزارش مشکل را به آدرس ایمیل و یا با شماره تلفن زیر مطرح نمایید:

آدرس ایمیل: soal@iranestekhdam.ir

شماره تلفن تماس: ۰۲۱-۹۱۳۰۰۱۱۳

[Www.IranEstekhdam.Ir](http://www.IranEstekhdam.Ir)